

گفتگو و رابطه با دشمن از نگاه قرآن

مهدی شریعتی تبار^۱

یکی از موضوعاتی که جامعه و نظام اسلامی با آن روبه‌روست و لازم است موضع اصولی و سیاست استراتژیک خود را در قبال آن در مناسبات بین‌المللی و سیاست خارجی خود روشن نماید، موضوع برقراری رابطه با دولت‌ها و ملت‌های کافرو غیرمسلمان است.

قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم‌السلام که از جامعیت و جهان‌شمولی برخوردارند، در آیات و احادیث بسیاری به این پرسش پاسخ داده‌اند؛ اینکه برقراری رابطه و مذاکره و گفتگو با کفار جایز و مشروع است یا نامشروع و در صورت جواز، حدود و شرایط آن چیست؟ از مطالعه و بررسی بخشی از آیات و روایات، نکات و نتایج ذیل به دست می‌آید.

۱- برقراری رابطه با کفاری که بر ضد مسلمانان توطئه و تعرضی ندارند

قرآن کریم به صراحت از انجام گفتگو و حتی احسان و نیکی و برقراری رابطه عادلانه با این گروه حمایت کرده است:

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ

۱ - مدیرعامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

وَتُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ ﴿ممتحنه / ۸﴾.

خداوند باز نمی‌دارد شما را از برقراری رابطه با کسانی که در دینتان با شما نجنگیده و شما را از دیارتان اخراج نکرده‌اند و از اینکه به آنها نیکی کنید و با عدالت با آنان رفتار کنید؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد.

آیه شریفه در دلالت بر نکته مورد نظر صراحت دارد. این نکته از آیات متعدد و نیز روایات و سیره عملی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استفاده می‌شود. اسلام دین رحمت است و پیامبر اکرم رحمت الهی برای جهانیان است و نسبت به همه انسان‌ها، اصل محبت و عدالت و احترام به حقوق آنان، به زیباترین شکل مورد توجه و تأکید حضرتش بوده است.

امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در بخشی از عهدنامه سیاسی و تاریخی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْنَمُ أَكْلَهُمْ فَأَنْتَهُمْ صَنْفَانٌ، إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»^۱.

ای مالک هرگز برای مردم مصر چونان حیوان درنده‌ای که خوردن آنان را غنیمت شمرد نباش؛ زیرا آن‌ها دو گروه‌اند؛ یا مسلمان‌اند که برادر تو هستند و یا در آفرینش مانند تو و انسان‌اند.

پیامبر گرامی اسلام که صلوات خدا بر او و اهل بیتش باد، پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی با یهودیان مدینه پیمان عدم تعرض بستند و با آن‌ها رابطه اقتصادی و اجتماعی برقرار نمودند و تا زمانی که آن‌ها پیمان شکنی نکردند، متعرض ایشان نشدند. شایان یادآوری است این مطلب منافات ندارد با اینکه اسلام براساس احساس مسئولیتی که در برابر جامعه بشری و سعادت آن‌ها دارد، آنان را به دین حق و صراط مستقیم انسانیت دعوت نماید و نیز مسلمانان را از برقراری رابطه ولایی^۲ با این گروه از کفار باز دارد و این به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری، ولاء منفی عام است. این مانند آن است که پزشکی دل‌سوز و ماهر که اقدام به درمان بیماران می‌کند به آن‌ها محبت نیز

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- رابطه ولایی بدین معناست که مسلمان با کافر همان‌گونه دوست و صمیمی شود که با یک مسلمان صمیمی است.

دارد، ولی با این حال، خود و انسان‌های سالم را از اختلاط و نزدیک شدنی که سبب انتقال بیماری مُسری شود، بر حذر می‌دارد.

۲- رابطه با کفاری که بر ضدّ مسلمانان توطئه و دشمنی می‌کنند

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که چند نوع رابطه با این گروه مورد نهی قرار گرفته و ممنوع است:

الف. رابطه ولایی

در این باره قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...﴾ (ممتحنه / ۱) ای اهل ایمان، دشمن من و دشمن خودتان را ولیّ و دوست صمیمی خود قرار ندهید.

انسان و جامعه مؤمن که دوستدار خدا و دین الهی است نمی‌تواند و نباید با دشمن خدا و دین و بندگان مؤمن خدا دوستی کند.

امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

«اصدقاؤک ثلاثة و اعداؤک ثلاثة: قاصدقاؤک صدیقک و صدیق صدیقک و عدوّ عدوّک. و اعداؤک عدوّک و عدوّ صدیقک و صدیق عدوّک»^۱.

دوستان شما و دشمنان شما سه گروه‌اند. پس دوستان شما، دوست خودتان، دوست دوستان و دشمن دشمنان هستند. و دشمنان شما، دشمن خودتان، دشمن دوستان و دوست دشمنان می‌باشند.

بدین سان برقراری رابطه دوستانه و ولایی با دشمن خدا و دشمن خود جایز نیست. از این رو به منظور تأکید پس از واژه «عدوئی» فرمود: «وعدوکم». یعنی دشمن من، دشمن شما نیز هست و معقول نیست انسان با دشمن توطئه‌گر خود رابطه ولایی و دستانه و صمیمانه برقرار سازد.

در ادامه آیه شریفه می‌فرماید: ﴿تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵.

شما نمی‌توانید و نباید به این دسته از کفار، مودت و دوستی خود را اظهار کنید، در حالی که اینان با دین حق شما را و آرمان‌های و اهداف مقدس شما که عدالت، آزادی، استقلال و امنیت برای خودتان و همه انسان‌های مظلوم است، دشمن‌اند و برضد این برنامه‌ها توطئه می‌کنند.

این بخش از آیه در واقع در مقام تعلیل است که مؤمن معتقد و پایبند به ایمان نمی‌تواند با کافر رابطه دوستانه داشته باشد و از این رو این نهی را می‌توان یک نوع نهی ارشادی دانست.

﴿يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ﴾ این کفار از سر دشمنی، پیامبر و شما را به جرم ایمان به پروردگارتان از وطنتان اخراج می‌کنند.^۱

این جمله گرچه در مورد کفار قریش نازل شده که پیامبر و مسلمانان را آن چنان در تنگنا قرار دادند که مجبور به هجرت شدند، ولی شأن نزول و مورد آیه، مخصّص حکم آیه نیست و از آیه عمومیت حکم استفاده می‌شود و از این رو همه کافرانی را که آن چنان از فطرت انسانی خود فاصله گرفته‌اند که ایمان به پروردگار و اعتقاد و پایبندی به لوازم این ایمان را که همان عدالت، آزادی، برابری، استقلال و دیگر ارزش‌های انسانی است، گناه نابخشودنی می‌شمارند و به هراهی می‌کوشند مسلمانان را از این ایمان و آثارش دور کنند، شامل می‌شود.

﴿إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي﴾

در ادامه آیه شریفه، شرطی را برای این حکم (عدم برقراری رابطه ولایی و اظهار دوستی) بیان می‌کند که محقق الوقوع و حتمی است و آن اینکه اگر شما برای مجاهدت در راه خدا و طلب رضایت الهی مهاجرت کردید - که قطعاً این گونه است - پس نباید با دشمن من و دشمن خودتان رابطه ولایی داشته باشید.

درباره زمان و جامعه خودمان هم باید بگوییم: ملت ایران، انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز

۱- در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (بروج/۸). در این آیه نیز بدین بدین نکته اشاره شده که دشمنان دین، مؤمنان و بندگان خدا را به جرم ایمان آنان به خداوند عزیز و حمید، مورد ظلم و شکنجه قرار داده، آواره‌شان می‌کنند.

شدند تا آن که مستقل باشند و آرمان های اسلام و دین را که برپایی حکومت دینی و استقلال سیاسی و عدم سلطه پذیری و دفاع از مظلومان است، محقق سازند و از لوازم حتمی این انقلاب، عدم برقراری رابطه ولایی با دشمنان انقلاب و آرمان های آن است.

﴿تُسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ﴾

مبادا به صورت سری و پنهانی مودت خودتان را به آنان اطلاع دهید. به عبارت دیگر، چراغ سبزه دشمن نشان دادن، به گونه ای که پیام دوستی را در گفتار یا کردار شما احساس کند، ممنوع است.

﴿وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾

در پایان آیه می فرماید هر کس که به این نهی توجه نکرده، رابطه ولایی و مودت آمیز پنهانی یا آشکار با دشمن برقرار کند، از صراط مستقیم و مسیر آرمان های انقلابی و منطقی و برحق منحرف شده است.

افزون بر این ها، در آیه بعد می فرماید برقراری رابطه ولایی و دوستانه با این گروه، نه تنها برای شما نفعی ندارد، بلکه قطعاً به زیان شماست:

﴿إِنْ يَتَّفِقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾

(ممتحنه ۲).

اینان اگر بر شما تسلط یابند و زمینه نفوذ را در شما احساس کنند، باز با شما دشمنی خواهند کرد و با دست و زبانشان به شما بدی می کنند و برضد شما توطئه عملی و تبلیغاتی خواهند داشت و در نهایت، برنامه ریزی می کنند تا شما را به کفر بکشانند و از همه آرمان ها و ارزش های دینی و انقلابی منحرف سازند. این نکته در آیه شریفه دیگری با صراحت بیشتر بیان شده است:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِن

اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (بقره / ۱۲۰).

هرگز یهود و نصارا (که با شما دشمنی دارند) از شما خشنود نخواهند شد مگر اینکه از آیین و شیوه و روش آن ها پیروی کنید. بگو که هدایت واقعی فقط هدایت خداست. و اگر شما از خواسته های دشمنان (یهود و نصارا) پیروی کنید، آن هم پس از آنکه با علم

وجدانی و به صورت منطقی و تجربی حقانیت دین و آرمان‌های خود و ضلالت و دشمنی دشمنان را دانستید، از ولایت و یاری خدا محروم خواهید شد.

ب. اعتماد همراه با تمایل

نکته دیگری که مورد نهی قرار گرفته، رکون نسبت به ظالمین است. ظلم در فرهنگ قرآنی سه گونه است:

۱- ظلم به خدا، که ظلم عظیم است و آن شرک به خداست؛

۲- ظلم به انسان‌ها، به صورت دشمنی و تجاوز به حقوق آنان؛

۳- ظلم به خود، با تجاوز به حدود الهی و گناه کردن؛

کفاری که با دین و بندگان خدا سرچنگ و دشمنی دارند، از مصادیق بارز ظالمین هستند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾

(هود / ۱۱۳).

این آیه خطاب به جامعه اسلامی می‌فرماید شما نباید به ظالمان و ستمگران رکون و اعتماد داشته باشید. رکون یعنی اعتماد همراه با گرایش به ستمگران، در حیات و تمدن دینی، به معنای اجازه دادن به ملاحظه آن‌ها در مدیریت جامعه و نیز طرح مودت و دوستی است، به گونه‌ای که زمینه معاشرت اثربخش آنان را در شئون فرهنگی و اجتماعی فراهم سازد، یا هر نوع اعتماد و اتکایی که به استقلال در تأثیرگذاری دین در جامعه آسیب رساند و زمینه را برای نفوذ دشمن فراهم کند، این گونه گرایش‌ها ممنوع است. گرچه شأن نزول این آیه مشرکان قریش هستند، ولی مورد مخصّص نیست و عموم آیه، رکون و اعتماد به هر ستمگری را نهی می‌کند.

شایان یادآوری است که در آیه قبل از آیه مذکور می‌فرماید:

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود / ۱۱۲) ای

پیامبر! آن گونه که مأموریت یافتی استقامت کن و نیز آنان که با تو ایمان آورده و به سوی خدا رجوع کرده‌اند باید استقامت کنند....

استقامت در مسیر دین و پایداری در جبهه حق، از زمینه‌ها و مبانی عدم رکون و

اعتماد و تمایل به دشمن است و این امر دشواری است، به ویژه اینکه این استقامت از مؤمنان نیز خواسته شده و استقامت امت از رهبری جامعه مطالبه شده است. بر این اساس، استقامت رهبر به تنهایی کافی نیست و باید مردم مؤمن نیز همراه رهبری استقامت ورزند.

ظاهراً این نکته موجب شده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بفرماید: «شَيْبَتِنِي [سورة] هود»؛ سورة هود مرا پیر کرد.

استقامت امت همراه رهبر که باید با مدیریت و راهنمایی رهبری تأمین شود، پیامبر را آن چنان نگران کرده که فرمود این مأموریت و نگرانی مرا پیر کرد. البته با عنایت به اینکه در برخی نقل‌ها در ادامه روایت مزبور، سوره‌های واقعه و مرسلات و نبأ یاد شده، چه بسا ذکر قیامت و عذاب الهی مراد باشد.

ج. رابطه‌ای که زمینه‌ساز آگاهی دشمن بر اسرار نظام شود

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران / ۱۱۸).

این آیه شریفه مؤمنان را از اینکه کفار را بطانه خود قرار دهند، نهی می‌کند «بطانه» عبارت است از لباسی که به بدن می‌چسبد (= لباس زیر)، در مقابل ظهار؛ یعنی لباس رو، که ظاهر است. بطانه، کنایه است از اینکه کفار آن‌گونه با مسلمانان معاشرت پیدا کنند که به اسرار آنها مطلع شوند و این جایز نیست. جامعه و نظام اسلامی نباید زمینه آگاهی دشمن از اسرار خود را فراهم کند و رابطه و مذاکره‌ای که موجب اطلاع دشمن از مسائل سری نظام شود، ممنوع است. دلیل این نهی در ادامه آیه چنین آمده است: ﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾.

دشمنان و کفار از هرگونه آسیب زدن به شما کوتاهی نمی‌کنند و دوست دارند که شما دچار زحمت و آسیب و ذلت شوید. از زبان و شعار و تبلیغات آن‌ها، بغض و دشمنی‌شان با شما آشکار است و البته آنچه از بغض و دشمنی در دل‌هایشان پنهان

۱- عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۱۸۸.

می‌کنند، به مراتب بیشتر و بزرگ‌تر است. این‌ها حقایق روشنی است که برای شما بیان می‌کنیم و لازم است خردمندانه درباره آن‌ها فکر کنید.

آنچه یاد شد، بخشی از آیات قرآن کریم است که ناظر به چگونگی رابطه مسلمانان با کفار می‌باشد. براساس آیات مزبور و سیره و سنت پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علیه السلام باید گفت: جامعه و نظام اسلامی در موضوع مذاکره با آمریکا که امروز در رأس دشمنان اسلام و مسلمانان قرار دارد و جبهه استکبار جهانی را بر ضد مسلمانان و به ویژه نظام جمهوری اسلامی رهبری می‌کند، آیات شریفه یادشده را نصب العین خود قرار می‌دهند و با هوشیاری و بصیرت و صبر و صلابت و با یاری خداوند، جبهه استکبار را در دستیابی به اهداف شوم‌شان ناکام خواهند کرد.

امام علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید:

«إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرِقُّ وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمُ عَنْهُ.»^۱

همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است و آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید. در سخن دیگری می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبُعِ تَنَامُ عَلَى طَوْلِ الدَّمِّ حَتَّى يَصَلَ إِلَيْهَا طَالِبُهَا وَيَخْتَلِهَا رَاصِدُهَا
وَلَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمَقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرِ عَنْهُ وَبِالسَّمَاعِ الْمَطِيعِ الْعَاصِي الْمَرِيبِ أَبْدًا
حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي.»^۲

به خدا سوگند از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر نمایند. من همواره با یاری انسان‌های حق‌طلب بر سرآنان می‌کوبم که از حق روی‌گردان‌اند و با یاری فرمان‌بر مطیع، نافرمان‌اهل تردید را درهم می‌کوبم تا آن روز که دوران زندگی من به سرآید.

۱ - نهج البلاغه، نامه ۶۲.

۲ - همان، خطبه ۶.

مدیریت خانواده در قرآن

دکتر محمدهادی عبدخدایی^۱

چکیده

قرآن کریم در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره نساء درباره مدیریت خانواده و روابط زن و شوهر و تکلیف و وظایف آن‌ها و نزدیکان آنان مطالب آموزنده‌ای دارد که حائز اهمیت می‌باشد. در آیات یادشده تفسیر با فقه و کلام به هم پیوند خورده و مباحث متعددی را ایجاد کرده است.

ابتدا خداوند مدیریت را برعهده مرد معرفی کرده، دو سبب برای آن بیان می‌نماید و بعد از آن هم به دو ویژگی همسران شایسته اشاره می‌فرماید و سرانجام شیوه برخورد با زنان سرکش و ناشایست را در سه مرحله اندرز و قهر و تنبیه بیان می‌نماید.

موضوع «ضرب» عنوانی است که سبب اعتراض مخالفان گردیده و ایجاد شبهه برای افراد کم اطلاع کرده است.

در این مقاله ضمن بیان دقایقی از آیه مبارکه، موضوع مذکور با توجه به اطراف و جوانب حکم آن، که بیانگر عدالت حقوقی است و سبب پیشگیری از دلسردی و طلاق می‌شود بررسی گردیده و به مهر و محبتی که باید فرد نسبت به همسر خویش داشته باشد اشارت رفته است.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾

۱ - عضو مجلس خبرگان رهبری.